

مروری برگسترش و بالندگی رویکرد اخلاق نقلی در بستر حوزه علمیّه قم

سید محمدباقر میرصانع

(استادیار گروه اخلاق پژوهشگاه قرآن و حدیث)

Smb.mirsane@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

چکیده

اخلاق نقلی (مأثور) از رویکردهای اصیل در دانش اخلاق اسلامی به‌شمار می‌آید که در صدساله اخیر در بستر حوزه علمیّه قم گسترش و بالندگی درخور توجهی داشته است. در این مقاله، سعی شده گزارشی جامع از انواع تألیفات جدید در این حوزه و بالندگی این رویکرد از جهت غنای مباحث، روش‌مندی و تنوع زیرشاخه‌ای ارائه شود. به اختصار می‌توان بیان کرد اخلاق نقلی در بستر حوزه علمیّه قم به سه زیرشاخه «مزین به نقل»، «نقل محور» و «نقل بنیاد» توسعه پیدا کرده است. همچنین نویسندگان اخلاق نقلی علاوه بر پرداختن به حیطه اخلاق عملی کاربردی، در این دوره به فلسفه اخلاق مبتنی بر نقل پرداختند. همچنین آثار اخلاق نقلی تا پیش از این، شامل جمع‌آوری و دسته‌بندی احادیث بوده و در این دوره، نویسندگان به بحث از روش فهم احادیث اخلاقی و نظام اخلاق اسلامی مبتنی بر نقل پرداخته‌اند. همچنین آثار درخور توجهی در حوزه اخلاق نقلی به صورت دانش‌نامه، جوامع حدیثی، اخلاق وعظی و اخلاق کاربردی انتشار یافته است. مجموع این حرکت‌ها، افق‌های خرسندکننده‌ای را برای این رویکرد اخلاقی در سال‌های آینده نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق مأثور، اخلاق نقلی، حدیث و اخلاق، حوزه علمیّه قم، قرن چهاردهم.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیّه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله تألیف شده است.»

مقدمه

در صدساله اخیر با تأسیس حوزه علمی قم از سویی و سیل ترجمه آثار غربی در حیطه علوم انسانی از سوی دیگر و همچنین ضمیمه شدن این دو به تأسیس جمهوری اسلامی ایران با محوریت امام خمینی به عنوان فقیهی تربیت یافته در حوزه علمی قم، تحولات مهم و درخور توجهی در حیطه اندیشه اسلامی و علوم انسانی - اسلامی رخ داده است. دانش اخلاق نیز از این تحولات بی بهره نبوده است. طرح شدن پاسخ های جدید به سؤالات قدیمی و طرح سؤالات، مباحث، ابواب و شاخه های جدید در حوزه های مختلف اخلاق، برخی از این تحولات به شمار می آید. پیش از هر تحقیق و پژوهشی، بر هر اندیشمند اخلاقی لازم است این تحولات را شناسایی و بررسی کند.



اخلاق نقلی یا مأثور، یکی از رویکردهای اصیل در اخلاق اسلامی است. اخلاق اسلامی برمبنای منبع و روش استنباط گزاره های اخلاقی، به سه رویکرد فلسفی، عرفانی و نقلی تقسیم می شود. به رویکردی که در اخلاق اسلامی از منبع عقل و روش عقلی برای استنباط گزاره های اخلاقی بهره می گیرد، «اخلاق فلسفی» می گویند. اخلاقی که از تجربه های عرفانی و روش شهودی استفاده می کند، «اخلاق عرفانی» و اخلاقی که در کشف گزاره های اخلاقی، متکی به آیات و روایات اسلامی است، «اخلاق مأثور یا نقلی» نام دارد. این سه رویکرد، افتراقاتی در «مبانی، غایات و روش» دارند که در این جا مجال توضیح آنها نیست (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: احمدپور، ۱۳۸۵: ۲۹ - ۶۰؛ همو، ۱۳۹۵: ۱۱۷ - ۱۷۵؛ محمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۱ - ۱۴۴). البته رویکردی التقاطی و ترکیبی به نام «اخلاق تلفیقی» وجود دارد که در آن برای کشف گزاره های علم اخلاق از منابع و روش های مختلف بهره گیری می شود. این رویکرد را نمی توان جدای از دیگر رویکردها دانست؛ زیرا در نهایت، به یکی از سه رویکرد اصلی ملحق می شود، بسته به این که کدام یک از آنها غلبه بیشتری در مباحث اخلاق تلفیقی داشته باشند. برای مثال، کتاب احیاء علوم الدین نوشته غزالی هرچند از آثار در حوزه اخلاق تلفیقی به حساب می آید، در بخش مهلکات، صبغه اخلاق فلسفی دارد و در ربع منجیات، صبغه اخلاق عرفانی. به همین جهت، اخلاق تلفیقی رویکرد خالص و اصیلی نیست و در ضمن مقاله، آثاری را که در صدساله اخیر به اخلاق تلفیقی معروف هستند، در صورتی که توجهی به نقل داشته باشند، جزء اخلاق نقلی به حساب خواهیم آورد. شاخصه های اخلاق اسلامی با رویکرد «نقلی» عبارت است از:

۱. مرجعیت نقل در کشف غزارة اخلاقی (نقل عبارت است از قرآن و سنت، اعم از گفتار و کردار معصوم)؛

۲. بهره‌گیری از روش تحقیق نقلی - تاریخی در تبیین اخلاق و اعتبارسنجی‌های رجالی و درایه‌ای (برای مطالعه بیشتر در خصوصیات اخلاق نقلی، ر.ک: محمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۳؛ احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۵۸؛ همو، ۱۳۸۵: ۵۴).

اخلاق نقلی، واجد تحلیل و تبیین و ایجاد مکتبی نظام‌مند در اعصار گذشته نبوده است. به همین دلیل، آثار در این حوزه، بیشتر «مجموعه‌ای از تألیفات و تصنیفات روایی بوده است که عهده‌دار جمع‌آوری روایات اخلاقی و حداکثر دسته‌بندی آنهاست. کتاب‌هایی مانند مشکاة الأنوار طبرسی، غررالحکم عبدالواحد آمدی، الزهد حسین بن سعید اهوازی و مصادقة الإخوان شیخ صدوق در میان آثار شیعه» (احمدپور، ۱۳۸۵: ۵۴) را می‌توان در شمار چنین رویکرد ویژه‌ای دانست. در حقیقت، بیشتر اخلاق‌نگاران با این رویکرد، همان محدثان و راویان بوده‌اند و همچنان که در اخلاق فلسفی، بیشتر فیلسوفان ورود می‌کردند و در اخلاق عرفانی، عرفا، همت محدثان و راویان احادیث نیز بیشتر حفظ و نشر و انتقال احادیث به آیندگان بوده است. اما در قرن گذشته و با تأسیس حوزه علمی قم، از برکات این حوزه می‌توان به اضافه شدن و بالندگی مباحثی در حوزه اخلاق نقلی اشاره کرد که یکی از آنها اضافه شدن عنصر تحلیل و تبیین نظام اخلاقی برای این رویکرد است. در این نوشتار قصد داریم به معرفی شقوق مختلف اخلاق نقلی که در صدساله اخیر با محوریت حوزه علمی قم ایجاد شده بپردازیم و با بررسی دستاوردهای آنها، افق‌های پیش روی این حرکت را تبیین کنیم.

به طور کلی، تحولات اخلاق نقلی در صدساله اخیر را می‌توان در حوزه‌های زیر دسته‌بندی کرد که در هر قسمت از مقاله به یکی از این تحولات خواهیم پرداخت:

۱. «تقسیم اخلاق نقلی عملی» به سه زیرشاخه «مزین به نقل»، «نقل محور» و «نقل بنیاد» و نگارش تألیفاتی در این سه شاخه. در قسمت مربوطه به تعریف هریک از این زیرشاخه‌ها و آثار مربوط به آنها خواهیم پرداخت.

۲. آثار با رویکرد نقلی تا پیش از این دوره، تنها به مباحث اخلاق عملی می‌پرداختند و مباحث اخلاق نظری در آنها مشاهده نمی‌شد؛ اما آثاری در قرن اخیر تألیف و منتشر شد که به مباحث

اخلاق نظری از نگاه آیات و روایات پرداختند و به نوعی «فلسفه اخلاق نقلی» را تولید کردند.

۳. تحول مهم دیگر در اخلاق نقلی را می‌توان توجّه به «روش فهم و استنباط اخلاق نقلی» دانست. برخی مؤلفان در حوزه اخلاق سعی کردند روش تحقیق اخلاق اجتهادی را تدوین کنند؛ تحقیقاتی شبیه آنچه در علم اصول فقه درباره روش تحقیق فقه اجتهادی رقم می‌خورد.

۴. در قرن گذشته در بستر حوزه علمیه قم، آثار درخور توجّهی در حوزه اخلاق نقلی به صورت دانش‌نامه، جامع حدیثی، اخلاق وعظی و اخلاق کاربردی تولید و انتشار یافته است. این دانش‌نامه‌ها هرچند تغییر بنیادینی نسبت به آثار مشابه خود در قرون گذشته اسلامی نداشته‌اند، از جهت جامعیت و دسته‌بندی، تغییرات مهم و قابل توجّهی داشته است.

۱. عوامل مؤثر بر رشد رویکرد اخلاق نقلی

قبل از تبیین این دستاوردها در قرن اخیر، لازم است توضیح مختصری درباره عوامل آن داده شود. حداقل سه عامل مهم در این رشد و بالندگی تأثیر بسزایی داشته‌اند که عبارت‌اند از:

- ۱ - ۱. تشکیل حوزه علمیه قم در ابتدای قرن چهاردهم شمسی؛
 - ۱ - ۲. ارتباط حوزه با طیف روشن‌فکران و مطالعه آثار ترجمه شده از مغرب‌زمین؛
 - ۱ - ۳. شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران در نیمه این قرن.
- تشکیل حوزه علمیه قم بدون شک اولین عامل از جهت زمانی و مهم‌ترین عامل و موتور محرکه در این رشد است. در حقیقت، شاگردان و دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم بودند که با برخورد با روشن‌فکران و مطالعه آثار غربی به فکر تولید علم اخلاق اسلامی اصیل افتادند و همین طلاب فاضل و عالم بودند که جمهوری اسلامی را در ایران به مدد الهی و همراهی مردم اقامه کردند.^۱

مواجهه با طیف روشن‌فکران چه غرب‌گرا و چه غیر آن، عالمان حوزه علمیه قم را با اندیشه‌های غربی آشنا کرد. البته پیش از این هم فی الجمله عالمان حوزه با اندیشه‌های غربی آشنا بودند؛ اما دو عامل مهم در جدی گرفتن اندیشه‌های اخلاقی غربی دخیل بود:

۱. در این که آیا خود حوزه علمیه قم و عالمان آن، متفاوت از حوزه علمیه نجف، اصفهان، خراسان، سامراء و... بودند که چنین تحولاتی را رقم زدند یا خاصیت زمان و موقعیت قرن چهاردهم بود و یا ترکیبی از این دو، بحثی است که باید در جای خود به تفصیل بررسی شود.

یک. تشکیل رژیم غرب زده پهلوی در ابتدای قرن چهاردهم در ایران که طیف روشن فکران غرب گرا را به عنوان پشتوانه علمی خود و جامعه می دانست؛

دو. تبلیغ و ترویج اندیشه های غربی در سطح عموم جامعه به واسطه سخنرانی، روزنامه ها و کتاب های روشن فکران.

این دو عامل باعث شد حوزه علمیه، مواجهه با اندیشه های غربی و اصلاح آنها و تولید آثار اسلامی اصیل را در اولویت کارهای خود قرار دهد؛ به خصوص در مسائل سبک زندگی و اخلاق اسلامی.

با شکل گیری جمهوری اسلامی ایران، تولید آثار در حوزه اخلاق نقلی با تمام شقوقی که گفته شد، سرعت دوچندانی گرفت. این سرعت نیز محصول دو عامل است:

الف. احتیاج مبرم حکومت و جامعه به پاسخگویی اسلام به نیازهای روز که با تشکیل حکومت چندبرابر شده بود؛

ب. تسهیل و فراهم آمدن زمینه پژوهش در حوزه اخلاق اسلامی و نبود مانع بیرونی برای ترویج اندیشه های ناب اسلامی.

از به هم پیوستن این عوامل چندگانه و متعدد، این رشد و بالندگی در حوزه علوم انسانی و به خصوص اخلاق اسلامی نقلی صورت گرفت.

۲. تقسیمات جدید اخلاق نقلی عملی

تفحص در آثار تألیف شده با رویکرد نقلی در پیش از دوران معاصر، نشانگر آن است که این آثار معمولاً در صدد جمع آوری و تبویب آیات و روایات با موضوعات اخلاقی بوده اند. همچنین با بررسی این آثار و تألیفات می توان تعریف آنها از اخلاق را متشکل از دو عنصر دانست:

یکم. فراالزامات و حتی الزاماتی که معمولاً ذیل ابواب فقهی گنجانده نمی شدند، مانند: سنن رفتاری ائمه، زهد، حیاء، توبه و... (محمّدی، ۱۳۹۵: ۱۳۴)؛

دوم. روابط اجتماعی، مانند نحوه ارتباط با خانواده، دوستان، جامعه و به طور کلی اخلاق معاشرت (احمدپور، ۱۳۸۵: ۵۷).

از آثار تدوین شده در این زمینه می توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب های الزهد و المؤمن، تألیف حسین بن سعید کوفی اهوازی (م ۳۰۰ ق)؛

- المحاسن، تألیف احمد بن محمد برقی (م ۲۷۴ ق)؛

- الکافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق). البته ابواب خاصی از این کتاب، مانند: الایمان، الدعاء، فضل القرآن و العشرة؛

- التمهید، تألیف محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)؛

- مصادقة الإخوان، تألیف محمد بن علی ابن بابویه (م ۳۸۱ق)؛

- معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تألیف محمد بن علی کراجکی (م ۴۴۹ق)؛

و کتب دیگر همچون جوامع روایی مانند بحار الأنوار، تألیف محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق).^۱ کتب اخلاق نقلی همچون کتاب فقهی من لایحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق متخلّق و اخلاق جو را مستقیماً به خود متون روایی ارجاع داده و برداشت و فهم را به عهده خواننده کتاب گذارده‌اند. البته این سنت در کتب فقهی ادامه پیدا نکرد و به سرعت به کتب استنباطی یا فتوایی تبدیل شد؛ اما در رویکرد اخلاق نقلی تا پیش از صدسال اخیر به این سیره، اکتفا و برداشت و فهم از روایات به عهده خواننده گذاشته می‌شد. در قرن چهاردهم شمسی خصوصاً از دهه‌های سوم و چهارم به بعد، اخلاق نقلی، جان تازه‌ای گرفت و نقل آیات و روایات در این کتب با شرح و بسط نویسنده همراه شد.

نوع شرح و بسط نویسندگان کتب اخلاق نقلی، این رویکرد اخلاقی را به سه زیرشاخه «اخلاق مزین به نقل»، «اخلاق نقل محور»، و «اخلاق نقل بنیاد» تقسیم کرده است.

۲ - ۱. اخلاق مزین به نقل

در این زیرشاخه، کتاب‌هایی قرار می‌گیرند که کاملاً مسائل، نظام فضایل و اندیشه‌های بنیادی خود را از مکتب اخلاقی فلسفی اخذ کرده‌اند و تنها مباحث را با روایات و آیات مزین کرده‌اند. این کتاب‌ها از پایین‌ترین درجه در میان کتب اخلاق نقلی برخوردارند و در حقیقت، آنها را می‌توان به اخلاق فلسفی ملحق کرد؛ ولی به دلیل استفاده از نقل در مباحث در این جا به ذکر عنوان چند نمونه از این کتب اکتفا خواهیم کرد:

۱. حیدری، سیدکمال، مقدمة فی علم الاخلاق، قم: دار فراق، ۱۴۲۶ق؛

۲. امینیان، مختار، مبانی اخلاق اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱؛

۱. برای شناخت فهرستی نسبتاً جامع از این آثار، ر.ک: احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۶۱ - ۱۶۵؛ احمدپور و دیگران، ۱۳۸۵: فصل چهارم؛ مرکز کامپیوتری نور، دسته کتب اخلاق نقلی: نرم افزار «دانش‌نامه اخلاق اسلامی».

۳. نوری، محمد رحیم، مبانی اخلاق، تهران: خورشید باران، ۱۳۸۲؛

۴. جزائری، محمد علی، دروس اخلاق اسلامی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.

۲ - ۲. اخلاق نقل محور

تألیفات با این رویکرد را می توان این گونه تعریف کرد که: «آثاری اخلاقی با اهتمام بسیار بالا به قرآن و روایات در شرح و تفصیل فروع اخلاقی هستند؛ اما یا بی توجه به مباحث نظری و بنیادین اخلاقی هستند و یا این مباحث را از رویکرد و دستگاه اخلاقی دیگری اخذ کرده اند». منظور از مباحث بنیادین اخلاقی، شامل دستگاه زبانی علم اخلاق، انسان شناسی اخلاقی، نحوه تبیین و تعریف خلیات، اصول فضایل و رذایل اخلاقی، نحوه تبیین سعادت و به طور کلی، مباحث اخلاق نظری که معمولاً در ابتدای کتب اخلاقی قدما مطرح می شد. به تعبیر خلاصه، مسائل بنیادین اخلاقی، مباحثی از قبیل تبیین مبانی و مفاهیم، تحلیل گزاره ها و نظام سازی اخلاقی است.

احادیث و روایات در این دسته از کتب اخلاق نقلی، مشخص کننده ابواب و سرفصل مباحث است؛ اما مؤلفان این دست کتب برای شرح و تبیین حدیث از تمام یافته های علمی خود در حوزه های مختلف اعم از نقل، عرفان و فلسفه کمک می گیرند. شاخصه های این دسته از اخلاق نقلی عبارت اند از:

یک. احادیث و روایات، تعیین کننده فصول و سرفصل مباحث هستند و معمولاً مباحث اخلاقی در شرح احادیث وارد می شود و گزاره های روایی، بهانه طرح مباحث اخلاقی هستند.^۱
دو. آموزه های اخلاقی، متأثر از روایات مطرح می شوند؛ اما انسان شناسی و اصول فضایل، از جای دیگر اخذ شده است. برای نمونه در این گونه آثار، خصوصاً آثاری که نویسندگان آن رویکرد تلفیقی میان فلسفه و عرفان دارند، انسان شناسی ارسطویی مطرح شده و عدالت به عنوان محور همه فضایل، معرفی و به معنای ارسطویی آن تفسیر می شود. برای نمونه می توان به این عبارات اشاره کرد:

«بدان که عدالت، عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط. و آن از امهات فضایل اخلاقیه است؛ بلکه عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

۱. به همین دلیل، جزء اخلاق اسلامی با رویکرد نقلی مطرح ساختیم.

«این فضیلت اخلاقی، مانند سایر صفات اخلاقی دارای طرف افراط و تفریط و حدّ وسط است، حدّ افراط "تکبر" و حدّ تفریط "پذیرش ذلّت و پستی" و حدّ وسط "تواضع" است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۷۹/۲).

«از آنچه در بالا گفته شد به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که شجاعت به عنوان یک فضیلت حدّ وسطی است در میان "تهوّر" و "جبن"» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۴۶/۲).
در این متون تلاشی برای دستیابی به نظام، دستگاه و بنیان جدیدی برای اخلاق برگرفته از آیات و روایات نشده است، هرچند در تشریح فضایل و رذایل اخلاقی فرعی، بیشترین استفاده و بهره را از نقل برده‌اند.

سه. در برخی از این آثار، ادبیات و دستگاه واژگانی نویسنده از فلسفه یا عرفان اخذ شده است. این بدان معنا نیست که تمام معارف، مرهون دستگاه‌های دیگر اخلاقی باشد؛ اما خالص و بنیادی از منقولات اخذ نشده است.^۱

از آثار شاخص در این زیرشاخه می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰؛
۲. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲؛
۳. طباطبایی، محمدحسین، الکبائر و الصغائر، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳؛
۴. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۷؛
۵. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۹؛
۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵؛
۷. تهرانی، مجتبی، اخلاق الاهی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

هر چند در این آثار، ارجاع زیادی به آیات و روایات در فضایل و ارزش‌های فرعی شده است، عدم

۱. برای نمونه: «بدان که مقام اوّل نفس و منزل اسفل آن، منزل ملک و ظاهر و دنیای آن است که اشعه و انوار غیبیه آن در این بدن محسوس و بنیه ظاهره تابیده و او را زندگانی عرضی بخشیده و تجییش جیوش در این بدن کرده، و میدان جنگ آن همین بدن است، و قوای ظاهره آن، لشکر آن است که در اقالیم سبعه ملکیه، یعنی گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و پا، بسط پیدا کرده» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۵). نیز ر.ک: همو، ۱۳۸۲.

توجّه به آنها در مباحث بنیادین و گرفتن این دست مباحث از دیگر رویکردهای اخلاقی، باعث شده که در برخی موارد، برداشتهای اشتباهی از قرآن و احادیث رخ دهد. برای نمونه امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث، کلام مشهور «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سِتَّةٌ قَائِمَةٌ، وَ مَا خَالَاهُنَّ فَهَوُ فَضْلٌ» را به سه علم کلام، اخلاق و فقه حمل می‌کند: «اما دلیل بر آن که "فريضة عادله" راجع به علم اخلاق است، توصیف فريضة است به "عادله"؛ زیرا که خلق حسن، چنانچه در آن علم مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است، و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و "عدالت" - که حد وسط و "تعديل" بین آنهاست -، مستحسن است. مثلاً شجاعت، که یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملكة فاضله است، عبارت است از حالت متوسطه و معتدله بین افراط که از آن تعبیر شود به تهور - و آن عبارت است از ترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است - و بین تفریط، که از آن تعبیر شود به جبن - و آن عبارت است از ترسیدن در مواردی که سزاوار ترس نیست. و حکمت، که یکی از ارکان است، متوسط بین رذیله "سفه" که از آن تعبیر به "جرّبه" شده است - و آن عبارت از استعمال فکر است در غیر مورد و در مواردی که سزاوار نیست - و بین رذیله "بله" است - که عبارت است از تعطیل قوه فکریه در مواردی که سزاوار است به کار اندازد. و همین طور عفت و سخاوت وسط بین رذیله شره و خمود، و اسراف و بخل است. پس، "عادله" بودن فريضة دلالت کند بر آن که آن منطبق بر علم اخلاق است» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۹۱).

هرچند ایشان مبدع این تفسیر از روایت نبوده‌اند، اما با اندک توجّهی به دستگاه زبانی نقلی می‌توان فهمید آیه محکمه و فريضة عادله و ستّ قائمه، غیر آن چیزی است که ایشان تلقی کرده و بعد در شرح آن از حد وسط ارسطویی کمک گرفته است. همچنین در بیان دیگری ایشان جنود عقل و جهل را منطبق بر نفس‌شناسی ارسطویی تفسیر می‌کنند و این‌گونه بیان می‌دارند: «و چه در اخلاق نفسانی، که اعتدال قوای ثلاثه است؛ یعنی، قوه شهویه و غضبیه و شیطانیه. و چون منظور از حدیث شریف^۱ - به حسب ظاهر - این قسم اخیر است» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

اخلاق نقل محور هرچند زمینه بسیار خوبی را برای تدقیق‌های فنی برای اخلاق نقلی و شرح بسط آن فراهم کرد، با اشکالاتی همچون عدم هماهنگی دستگاه زبانی و نظام اخلاقی و برخی اشتباهات در فهم روایات مواجه بوده است.

۱. یعنی همین حدیث جنود عقل و جهل.

۲ - ۳. اخلاق نقل بنیاد

در میان تربیت یافتگان حوزه علمیه قم به خصوص در نیمه دوم قرن گذشته، اندیشمندانی در حوزه اخلاق قلم زدند که به دنبال حل مباحث بنیادین اخلاقی در آیات و روایات اسلامی بودند. این اندیشمندان به دنبال حل این مسائل با مراجعه به نقل بودند. اخلاق نقل بنیاد شامل تألیفاتی می شود که هرچند به دنبال یافتن نظام اخلاقی نقلی و حل مسائل بنیادین اخلاقی به وسیله نقل بودند، تلاش خود را کردند تا حد امکان آن را با نظام ها و مکاتب اخلاقی دیگر تلفیق نکنند. در این شاخه به کتب زیر می توان اشاره کرد:

۱. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، قم: صدرا، ۱۳۷۲؛
 ۲. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰؛
 ۳. فیض مشکینی، علی، دروس فی الأخلاق، قم، دارالحديث: ۱۳۹۲؛
 ۴. مصباح یزدی، محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰؛
 ۵. مصباح یزدی، محمدتقی، انسان سازی در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲؛
 ۶. محمدی ری شهری، محمد، انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳؛
 ۷. صدر، محمد مهدی، اخلاق اهل البیت، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۷۲؛
 ۸. نصری، عبدالله، مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵؛
 ۹. برنجکار، رضا و علینقی خدایاری، انسان شناسی اسلامی، قم: معارف، ۱۳۹۰؛
 ۱۰. راد، علی، انسان در تراز قرآن، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳؛
 ۱۱. طاهرزاده، اصغر، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۷؛
 ۱۲. مظاهری، حسین، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، تهران: ذکر، ۱۳۸۳.
- البته آثار، بیشتر از این موارد است؛ اما اینها را می توان برجسته ترین کتاب ها در این زیرشاخه



دانست. خصوصیات این زیرشاخه یعنی اخلاق نقل بنیاد عبارت است از:

یک. طرح فضایل و ارزش‌هایی چون: شکر، تقوا، ایمان، صبر، توکل، خشوع، تضرع، هدایتگری (امربه معروف) و عبادت از خصوصیات این کتب است.

دو. در حوزه انسان‌شناسی، به جای تبیین قوای نفس یونانی، از آیات و روایات برای تبیین انسان کمک گرفته می‌شود و مباحثی چون: خلقت دوگانه انسان، ترکیب انسان از میل و عقل، نسبت قلب و عقل، کرامت انسان، حکمت آفرینش انسان و کمال انسان عموماً مطرح می‌شود. یکی از مباحثی که در این دست اخلاق‌ها به طور برجسته در حوزه انسان‌شناسی مطرح می‌شود، رابطه خودشناسی و خداشناسی است و بیشتر متأثر از روایاتی است که خداشناسی را متوقف بر خودشناسی کرده‌اند.^۱

سه. محوریت مفاهیمی چون هدایت و ضلالت، معروف و منکر، خیر و شر، حق و باطل، هوای نفس، غفلت، و اطاعت و عصیان از جمله خصوصیات این کتاب‌هاست.

چهار. در این کتب، محوری‌ترین رابطه اخلاقی میان انسان و خدا برقرار است، مشابه آنچه در اخلاق عرفانی مطرح است با این تفاوت که در این کتب، منبع محوری، مآثورات و منقولات دینی است و جزئیات بسیار زیادی درباره اخلاق اجتماعی، فردی و زیست‌محیطی علاوه بر اخلاق الهی مطرح شده است.

پنج. در این کتب میانه‌روی به عنوان مایز بین فضیلت و رذیلت مطرح نمی‌شود؛ بلکه آنچه تعیین کننده است، دستورها و اوامر الهی است. تعیین کنندگی دستورهای الهی باعث قرابت این رویکرد اخلاقی به فقه نیز شد. به همین خاطر، مباحثی چون ربا، زکات، صدقه، امر به معروف در برخی از این کتب به عنوان مباحث اخلاقی مطرح شده است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۲: ۳۹۰، ۳۹۸، ۴۰۰ و ۴۱۷).

اخلاق نقل بنیاد، سعی دارد اخلاق نقلی را از دو اشکال عمده رها کند: اول این که کتب اخلاق نقلی، مجموعه‌ای از روایات اخلاقی باب‌بندی شده بودند. در کتب با رویکرد نقل بنیاد سعی شده تا از روایات اخلاقی، یک نظام و چارچوب اخلاقی بیرون کشیده شود و مبادی، مبانی، ساختار ارزش‌ها و اهداف خود را پیدا کند. دومین اشکال مربوط به ترکیب و شرح روایات اخلاقی

۱. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ۱۳).

با دیگر رویکردهای اخلاقی است که در اخلاق مزین به نقل و نقل محور مشاهده می‌شد. در اخلاق نقل‌بنیاد سعی شده روایات اخلاقی با خودشان یا نهایتاً با عقل بدون گرایش به مکتب خاص اخلاقی، تفسیر و تحلیل شوند.

اما متأسفانه عموم کتب در این زیرشاخه، روش خود را در فهم و تحلیل آیات به صورت دقیق و مفصل بیان نکرده‌اند. همین اشکال باعث شده تا برخی اختلافات در میان آنها رخ دهد. به همین دلیل برخی محققان به کشف روش فهم روایات و نظام اخلاقی اسلامی بر اساس نقل پرداختند.

۳. روش فهم و استنباط اخلاقی نقلی

گام دیگری که در حوزه علمی قم برداشته شد، نگارش مکتوباتی در جهت کشف و تبیین روش فهم و استنباط اخلاق از روایات و آیات است. این دست آثار، پژوهش‌هایی مقدماتی به جهت تدوین کتبی با رویکرد اخلاق نقل‌بنیاد است. در این آثار یا مستقیماً به روش استنباط اخلاق یا مبتنی بر روش مشخص به استنباط احکام اخلاقی پرداخته شده است که در ادامه به نمونه‌هایی از این آثار اشاره می‌کنیم. این آثار سه روش مختلف برای استنباط احکام اخلاقی از نقل را پی گرفته‌اند و بر اساس آن تقسیم می‌شوند:

۳ - ۱. روش اجتهادی (فقهی)

۱. اسلامی، محمدتقی، اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰؛
۲. عالم‌زاده نوری، محمد، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱؛
۳. عالم‌زاده نوری، محمد، استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (جلد اول) ۱۳۹۶ و (جلد دوم) ۱۳۹۷؛
۴. عالم‌زاده نوری، محمد، آشنایی با فقه الأخلاق؛ درآمدی بر دانش اخلاق اجتهادی و استنباطی، قم: انتشارات خلق، ۱۴۰۰؛
۵. غنوی، امیر، سلوک اخلاقی؛ طرح‌های روایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲؛
۶. غنوی، امیر، درآمدی بر فقه اخلاق، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.

۳ - ۲. روش معناشناسی

۱. مهدوی کنی، صدیقه، ساختارگزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکرد معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸؛
۲. احمدزاده، سیدمصطفی، چپستی عمل صالح در قرآن کریم: روش معناشناختی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶؛
۳. اکبری‌راد، طیبه، معناشناسی عمل صالح و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن کریم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

۳ - ۳. روش فقه الحدیثی

۱. پسندیده، عباس، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت، ۱۳۸۸؛
 ۲. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۳؛
 ۳. عبدی، حمزه و عباس پسندیده، بررسی و تحلیل روایات مکارم الاخلاق، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴.
- در روش اجتهادی، نویسندگان متمایل هستند با استفاده از الگوی فهم روایات فقهی و علم اصول فقه، به استنباط گزاره‌های اخلاقی بپردازند. البته اندیشوران در نوع پرداخت به بحث، متفاوت عمل کردند.
- برخی سعی کردند ناکارآمدی دستگاه اصولی و فقهی کنونی برای استنباط احکام اخلاقی را در موارد جزئی پیگیری کنند. در کتاب اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن نویسنده در تلاش است با نقد و بررسی قاعده «تسامح در ادله سنن»، اشکالاتی را که این قاعده به‌ویژه در مباحث اخلاقی به وجود می‌آورد، نشان دهد. به اعتقاد نویسنده به کارگیری این قاعده در استنباط احکام اخلاقی، ممکن است به خرافه‌گرایی، افزایش جرئت بر گناه، سست شدن تعالیم دینی در حوزه اخلاق و ایجاد بدعت بینجامد.
- این تحقیق نشان داد دستگاه فقهی و اصولی کنونی به دلیل تمرکز بر روایات فقهی، توان و ظرفیت پاسخگویی به مسائل و چالش‌های روایات اخلاقی را ندارند؛ به همین دلیل، برخی دیگر از اندیشوران سعی کردند به طرح و بررسی چالش‌ها و مسائل در این مباحث بپردازند. کتاب استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی به مهم‌ترین چالش‌ها و ابهام‌ها در فرایند استنباط احکام اخلاقی از متون دینی می‌پردازد؛ برای مثال در متون دینی به چالش‌هایی



همچون تنوع اسلوب بیان گزاره‌های اخلاقی، ابهام در سور قضایای عام یا مطلق اخلاقی، مفاد تعلیل در گزاره اخلاقی معلل، نقل معنا، مفاد اسلوب حصر، مبالغه و حجیت ادله نقلی پرداخته شده است. این اندیشور در کتاب خود با عنوان فقه الاخلاق؛ درآمدی بر دانش اخلاق اجتهادی و استنباطی، به تبیین دانش «فقه الاخلاق» پرداخته است. نویسنده سعی کرده در این اثر، چیستی، ضرورت، گستره، جایگاه، مبانی، منابع و روش فقه الاخلاق را روشن سازد. این اثر برای شناخت کلیتی از روش اخلاق اجتهادی و فقه الاخلاق بسیار مناسب است.

برخی دیگر نیز در کتاب فقه اخلاق تلاش کردند اصول فقه و فقهی جدید را مطرح کنند که هم احکام فقهی را برای نیازهای امروز تجدید کنند و هم پاسخگوی مسائل اخلاقی باشند. در عرض روش اجتهادی، روش معناشناسی نیز مطرح شد که در این روش با استفاده از علم معناشناسی و به خصوص با رویکرد «ساختارگرایی میدانی / سازه‌ای / ساختمانی» سعی شده تا اخلاق نقلی اسلامی تدوین و تشریح شود. بیشتر این تحقیقات، تابع تحقیق ایزوتسو (۱۳۹۴) در کتاب مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید است. ایزوتسو هدف خود از معناشناسی را یافتن جهان‌بینی متن مورد نظر می‌داند. این روش برای فهم نظام اخلاقی و جهان‌بینی اخلاقی متون دینی، بسیار کارآمد است؛ وضعی که در روش اجتهادی محسوس بود. در روش اجتهادی، هرچند استنباط احکام جزئی به نحو اطمینانی حاصل می‌شود، به سختی می‌توانست آن روش جهان‌بینی و نظامی کلی را از متن برای اخلاق ارائه دهد.

فقه الحدیث اخلاقی، به دنبال تبیین دیدگاه‌های اخلاقی روایات و آیات است. نویسنده اخلاق پژوهی حدیثی با دو هدف این اثر را تولید کرده است: اول نشان دادن روش کار با احادیث به صورت کارگاهی و عملی و دیگر شناخت مفاهیم اخلاقی و جایگاه این مفاهیم در نظام اخلاقی اسلامی (با تمرکز بر خویش‌انداری). برای آشنایی با کلیات این سبک و شیوه در فهم روایات، می‌توان به کتب زیر مراجعه کرد:

۱. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: سمت، ۱۳۸۶؛

۲. طباطبایی، سیدکاظم، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.

مزیت این روش بر دیگر روش‌ها خاستگاه آن است. دلیل تدوین فقه الحدیث، فهم احادیث به صورت جامع و کلی است، فارغ از این که این احادیث متعلق به کدام علم و کدام مباحث معرفتی هستند؛ اما در روش اجتهادی، تمرکز بر فهم و تبیین احادیث در حوزه تکلیف عملی

مکلف در مقابل خداوند است و همین باعث شده تا ابزار لازم برای فهم احادیث اخلاقی در آن پدید نیاید. هرچند خود اخلاق نیز از تکالیف عملی صحبت می‌کند، اما برخی تلقی‌های اشتباه درباره جدایی فقه و اخلاق باعث شده تا روش اجتهادی کارآیی کامل و تمامی در حوزه احادیث اخلاقی نداشته باشد.

به نظر می‌رسد با تکمیل روش اجتهادی به وسیله دو روش معناشناسی و فقه الحدیثی، روش جامعی تشکیل شود که بتواند اخلاق نقل‌بنیاد را از حیث بنیان و روش فهم تقویت کند. اخلاق نقل‌بنیاد با یافتن روشی صحیح، متقن و روشن در استنباط گزاره‌ها و نظام اخلاقی اسلام می‌تواند به کمال مطلوب خویش نزدیک شود و به عنوان یک مکتب اصیل اسلامی که در همه ابعاد برگرفته از منابع اسلامی است در کنار دیگر مکاتب اخلاقی، جایگاه مطلوب خویش را بیابد.

۴. فلسفه اخلاق اسلامی - نقلی

فلسفه اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه است که به مسائل بنیادین اخلاق می‌پردازد و به طور معمول شامل دو حوزه «اخلاق هنجاری» و «فرااخلاق» می‌شود. اخلاق هنجاری به دنبال معیاری برای تعیین نیکی و بدی افعال اختیاری انسان است و حاصل تلاش اندیشمندان در اخلاق هنجاری، رسیدن به معیار/معیارهای کلی برای تعیین ارزش‌ها و الزامات اخلاقی است. فرااخلاق به دنبال بحث از معرفت‌شناسی، وجودشناسی و معناشناسی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی است.

شاید عنوان «فلسفه اخلاق نقلی»، ظاهری متعارض نداشته باشد. فلسفه، روشی عقلی دارد و روش نقلی، متفاوت از آن است. در آثاری که در این جا به آنها اشاره می‌کنیم، از این نکته غفلت نکرده‌اند؛ بلکه نقل را اولاً سازنده فرضیه‌هایی دانسته‌اند که می‌توان به وسیله روش عقلی آن را تأیید و توجیه کرد؛ ثانیاً نقل را مبتنی بر استدلال‌های عقلانی می‌دانند که می‌توان به آن استدلال‌ها به وسیله نقل پی برد و بعد همان استدلال‌ها را حتی بدون ذکر شواهد نقلی آن می‌توان برای عموم مردم اعم از متعهد به نقل یا غیرمتعهد به آن، مطرح و اثبات کرد.

در اواخر سده اخیر در حوزه علمی قم تلاش‌هایی در فلسفه اخلاق و به خصوص در حوزه فرااخلاق و اخلاق هنجاری صورت گرفت. آثاری که در این حوزه با تمرکز بر کشف نظریه اسلامی نگاشته شدند، در بیشتر موارد متمرکز بر روش عقلانی بودند، البته نیم‌نگاهی هم به

مأثورات اسلامی داشتند؛ اما به مقداری نیست که بتوان آنها را در حوزه اخلاق نقلی دانست. در این میان، نویسندگانی سعی کردند که به نظریه‌ای برخاسته یا الهام گرفته از آیات و روایات اسلامی دست پیدا کنند و آن را با تبیین‌های عقلی مستحکم سازند که عبارت‌اند از:

۱. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، قم: صدرا، ۱۳۷۲ (در ضمن مجموعه آثار شهیدمطهری:

۲۲ / ۴۵۱ - ۶۸۷)؛

۲. مغنیه، محمد جواد، فلسفه الاخلاق فی الاسلام، قم: مؤسسه دار الکتاب الاسلامی،

۱۳۸۶؛

۳. صادقی، هادی، فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین؛ فرانظریه یکپارچگی اخلاق، قم: طه،

۱۳۹۷؛

۴. حسینی رامندی، سیدعلی اکبر، نظریه اخلاق هنجاری اسلام بر اساس قرآن کریم، قم:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.

شهید مطهری با طرح نظریه «پرستش» در وجودشناسی اخلاق، نظریه‌ای فرااخلاقی را در کتاب خود مطرح و با استفاده از عقل و نقل، تبیین کرده است. شیخ مغنیه نیز به مباحث فرااخلاقی توجه داشته است؛ اما مباحث کتاب خود را بسیار متأثر از کتاب دستور الأخلاق فی القرآن^۱ تنظیم و تبویب کرده است. مباحث محوری او همانند تکلیف، مسئولیت، نیت و جزاء و طرح برخی فضایل اخلاقی اسلام است.

اما دو کتاب بعدی بر مباحث اخلاق هنجاری متمرکز شده‌اند. در کتاب نظریه اخلاق هنجاری اسلام براساس قرآن، نظریه اخلاق هنجاری اسلام غایت‌گرایانه توصیف می‌شود؛ اما در کتاب فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین، فرانظریه‌ای مطرح می‌شود که نظریه اخلاق هنجاری اسلام را جامع نظریات مطرح در حوزه اخلاق هنجاری امروز دنیا می‌داند. در این کتاب تا فصل سوم به بررسی عقلی نظریات روز دنیا و تأیید و توجیه فرانظریه الهام گرفته شده از نقل پرداخته شده است و در فصل چهارم و پنجم کتاب، فرانظریه هنجاری مستند به آیات و روایات طرح و بررسی می‌شود.

البته کتب دیگری هم درباره اخلاق هنجاری و فرااخلاق توسط حوزویان در ۵۰ سال اخیر

۱. دراز، عبدالله (۱۳۸۷)، دستور الأخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للأخلاق النظرية فی القرآن، قم: دارالکتاب الاسلامی.

نوشته شده است، اما نمی‌توان آنها را فلسفه اخلاق نقلی نامید؛ چون مبدأ الهام نظریات مطرح شده در آن کتب، آیات و روایات نیستند، هرچند تلاش شده نظریه مطلوب با آیات و روایات، تطبیق داده شود.^۱

تألیف آثاری با موضوع فلسفه اخلاق نقلی، زمینه را برای تقویت هر چه بیشتر اخلاق نقل بنیاد فراهم می‌کند که روش و فلسفه منسجم و یک‌دست‌تری داشته باشد. در صدسال اخیر، منظومه منسجم اخلاق اسلامی اصیل و نقل بنیاد، به مرور در حال تکمیل و تقویت بوده است.

۵. جوامع و دانش‌نامه‌های اخلاق نقلی

در این دوره، جوامع و دانش‌نامه‌هایی نیز در حوزه اخلاق نقلی تدوین شدند که از اهمیت بسیاری برخوردار بودند. جوامع احادیث نقلی تا پیش از این دوره، همواره دچار اشکالی عمده بودند که عبارت است از: «عدم جامعیت». عدم جامعیت در طرح موضوعات مختلف اخلاقی و عدم جامعیت در آوردن همه روایات مربوط به یک موضوع.

شاید مهم‌ترین و مؤثرترین جامع حدیثی در این دوره، کتاب میزان الحکمه نوشته مرحوم محمدی ری‌شهری است. ایشان در پیش‌گفتار نخستین چاپ از کتاب، هدف خود از نگارش را گردآوری و باب‌بندی روایات و احادیث در خصوص مسائل فکری و اخلاقی و اجتماعی بیان می‌کند، آن‌چنان که پیشینیان در باب روایات مربوط به قضایای فقهی، اعم از عبادات و معاملات، به گونه‌ای تقریباً کامل انجام داده‌اند. از دیدگاه ایشان حوزه‌های علمیه به شدت نیازمند کتابی بودند که احادیث پیامبر ﷺ و خاندان او را به گونه‌ای تنظیم و ارائه کند که پژوهشگر به آسانی بتواند حدیث مورد نیاز خود را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی دست‌یابد. این کتاب که بخش عمده آن را مباحث اخلاقی شکل می‌دهد، در آخرین تصحیح خود در سال ۱۳۸۵ به صورت یک جامع حدیثی چهارده جلدی همراه با ترجمه فارسی چاپ و منتشر شد. این ویراست از کتاب مزایایی بر ویراست‌های قبل خود دارد که عبارت‌اند از: ۱.

۱. مانند آثار زیر:

- مصباح، محمدتقی (۱۳۶۷)، فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.

- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۸)، خوب چیست؟ بد کدام است؟، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مصباح، مجتبی (۱۳۸۸)، بنیاد اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- معلمی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه اخلاق، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

افزودن یا جابه‌جایی برخی آیه‌ها؛ ۲. کامل آوردن آیات؛ ۳. افزودن برخی «بیان»‌ها در ابوابی که نیاز به توضیح داشتند؛ ۴. توضیح و تفسیر برخی لغات مشکل؛ ۵. حذف تعدادی از احادیث تکراری؛ ۶. اضافه کردن روایات به برخی از موضوعات کم‌روایت؛ ۷. مرتب کردن دوباره روایات به ترتیب خاندان رسالت (علیهم‌السلام)؛ ۸. تنظیم مجدد شماری از ابواب؛ ۹. تبدیل منابع ضعیف به قوی‌تر؛ ۱۰. تصحیح برخی اغلاط در اعراب کلمات.

برخی از این اصلاحات، این جامع حدیثی را در یک قدمی دانش‌نامه قرآن و حدیث قرار داد. دانش‌نامه قرآن و حدیث، گام بعدی کتاب میزان و در واقع مکمل آن به شمار می‌آید. همچنان که ویراست آخر میزان الحکمه کاری گروهی به حساب می‌آمد، اساس کار در دانش‌نامه قرآن و حدیث، گروهی با محوریت مرحوم آیه الله ری‌شهری نهاده شد. در این دانش‌نامه تلاش شده به صورت روشمند، آیات و احادیث به صورت جامع، اما مختصر و مستند در موضوعات اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی جمع‌آوری شوند و مهم‌تر آن که برای بهره‌برداری بهتر و آسان‌تر عموم پژوهشگران از دانش‌نامه‌های حدیثی، بجز در مورد احادیثی که کاربرد تخصصی ویژه‌ای دارند (مانند برخی احادیث فقهی)، جمع‌بندی مورد نیاز عموم، به عنوان «درآمد» یا «تحلیل»، در آغاز یا پایان هر مدخل (موضوع) از دانش‌نامه افزوده شده است. به این صورت سعی شده در این دانش‌نامه نیاز روز مخاطب معاصر نیز در این موضوعات پاسخ داده شود.

دو دانش‌نامه دیگر در این جا قابل ذکر است؛

- دانش‌نامه قرآنی اخلاق، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵؛ این دانش‌نامه، مجموعه مقالات اخلاقی است که در دایرة المعارف قرآن کریم چاپ شده و در این دانش‌نامه به صورت تخصصی در حوزه اخلاق گردآوری شده است. مقالات دانش‌نامه قرآنی اخلاق به صورت الفبایی و در مباحث مختلف اخلاق با تمرکز بر قرآن، عرضه شده است.

- رضوان فر، احمد، فرهنگ اخلاقی معصومین (علیهم‌السلام)، قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴؛ در مجموعه فرهنگ اخلاقی معصومین (علیهم‌السلام) نویسنده می‌کوشد: ۱. توضیحی اجمالی درباره موضوع مطرح کند؛ ۲. سخنان امامان معصوم (علیهم‌السلام) را بدون هیچ شرح و توضیحی با عنوان «گلبانگ حدیث»، در اختیار مخاطب قرار دهد؛ ۳. نمونه‌هایی از رفتار عملی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و در مواردی، رفتار عملی پیروان آن بزرگواران را نقل کند؛ ۴. در پایان

هر موضوع با توجه به کل مطالب طرح شده، نکاتی را با عنوان «آموزه» بیان کند. البته کتب دیگری نیز در اخلاق نقلی با سبک و سیاق پیشینیان در قرن اخیر تدوین شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فیض مشکینی، علی، المواعظ العددیه، قم: الهادی، ۱۳۸۲؛
۲. قرشی، باقر شریف، اخلاق النبی و اهل بیته، قم: مهر امیرالمؤمنین، ۱۴۲۵ق؛
۳. تجلیل تبریزی، ابوطالب، معجم المحاسن و المساوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، ۱۴۱۷ق؛
۴. امامی، عبدالنبی، فرهنگ قرآن؛ اخلاق حمیده، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۹؛
۵. مختاری، علی، الاخلاق فی الأحادیث المشتركة بین السنة و الشيعة، تحت اشراف: آیه الله تسخیری، تهران: المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۳۸۴.

۶. اخلاق نقلی و عظمی

تا این‌جا انواعی از اخلاق نقلی که مطرح و گزارش شدند، بیشتر برای اخلاق پژوهان و پژوهشگران حوزه اخلاق کاربرد داشت؛ اما در قرن گذشته، آثاری که در حوزه اخلاق نقلی به نگارش درآمدند دارای دو خصوصیت مهم بودند:

- یک. همه‌فهم بودن و با زبان ساده بیان کردن مطالب اخلاقی؛
- دو. ابتناء مباحث بر آیات و روایات و اشاره به مضمون آنها ولی به دلیل مطالعه سهل آن برای همه، عدم تصریح به همه آنها.

تفاوت این آثار با اخلاق عملی‌ای که پیش‌تر مطرح شد، در شیوه بیان مطالب اخلاقی است و نه مضامین آنها. در این کتاب‌ها که به زبان فارسی نگاشته شده، نکات اخلاق نقلی با زبانی ساده محفوف به داستان‌ها و مثل‌ها تقدیم مخاطب شده که استقبال زیادی را نیز به همراه داشته است. عموماً هم نویسندگان آنها انسان‌های صاحب‌نفسی بودند که همین امر، پذیرش مطالب را از سوی خواننده بالا می‌برد.

کتب شهید آیه الله عبدالحسین دستغیب از نمونه‌های بارز این سبک اخلاق‌نگاری نقلی است. ایشان در کتاب‌های خود از این شیوه استفاده می‌کردند که مورد استقبال جامعه نیز قرار گرفت:

۱. اخلاق اسلامی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷؛
۲. استعاده، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷؛
۳. ایمان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷؛
۴. قلب سلیم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸؛
۵. گناهان کبیره، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.

۷. اخلاق حرفه‌ای و تخصصی نقلی

اخلاق تخصصی به مسائل اخلاقی حوزه‌های خاصی مانند: سیاست، اقتصاد، خانواده، معاشرت و... و اخلاق حرفه‌ای به مسائل اخلاقی مشاغل و حرفه‌های مختلف می‌پردازد. اخلاق تخصصی و اخلاق حرفه‌ای در واقع بخشی از اخلاق عملی نقلی به حساب می‌آیند که سیره گذشتگان معمولاً در کنار هم آوردن آنها در یک کتاب بوده است؛ اما در قرن معاصر به طور وسیع برای هر یک از آنها مصنفات جدایی نگاشته شد. در حوزه علمیه قم، پرداخت به اخلاق تخصصی و حرفه‌ای با رویکرد نقلی، رونق بسیار قابل توجهی گرفت. شماری از این کتب به شرح ذیل است:

۷ - ۱. اخلاق تخصصی

۱. مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳؛
۲. محمدی ری‌شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷؛
۳. محمدی ری‌شهری، محمد، فرهنگ‌نامه آرزو، قم: دارالحديث، ۱۳۸۵؛
۴. محمدی ری‌شهری، محمد، فرهنگ‌نامه ادب، قم: دارالحديث، ۱۳۹۰؛
۵. محمدی ری‌شهری، محمد، فرهنگ‌نامه مهمانی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۰؛
۶. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، قم: اخلاق، ۱۳۸۹؛
۷. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، قم: شفق، بیتا؛
۸. مظاهری، حسین، اخلاق و جوان، قم: شفق، ۱۳۸۷؛
۹. انصاریان، حسین، فرهنگ مهرورزی، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۶؛
۱۰. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: ام ابیها، ۱۳۸۳؛
۱۱. انصاریان، حسین، معاشرت، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸؛

۱۲. قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران: امیری، ۱۳۶۴؛
۱۳. مسعودی، عبدالهادی، روابط اجتماعی از نگاه قرآن، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳؛
۱۴. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: دارالحديث، ۱۳۸۵؛
۱۵. طباطبایی، سیدعلی، اخلاق اقتصادی، قم: انتشارات مطبوعات دینی، ۱۳۸۲؛
۱۶. سبحانی‌نیا، محمدتقی، رفتار اخلاقی انسان با خود، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳؛
۱۷.

۷- ۲. اخلاق حرفه‌ای

۱. جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء، ۱۳۹۰؛
۲. محمدی ری‌شهری، محمد، فرهنگ‌نامه تجارت و داد و ستد، قم: دارالحديث، ۱۳۹۶؛
۳. مظاهری، حسین، اخلاق در اداره، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷؛
۴. مظاهری، حسین، ویژگی‌های معلم خوب، قم: اخلاق، ۱۳۸۸؛
۵. مظاهری، حسین، اخلاق فرماندهی و فرمانبری، قم: شفق، ۱۳۶۴؛
۶. سبحانی‌نیا، محمدتقی، اخلاق هتلداری، قم: دارالحديث، ۱۳۹۶؛
۷. قنبری، بخشعلی، اخلاق حرفه‌ای با تأکید بر نهج البلاغه، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴؛
۸. فرهادی، یدالله، اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان، قم: اطلاعات، ۱۳۸۶؛
۹.

کتاب‌های فراوانی در این حوزه منتشر شده‌اند که تنها به تعدادی از آنها اشاره شد.

۸. جمع بندی و نتیجه‌گیری

اندیشمندان و نویسندگان در حوزه اخلاق نقلی در صدساله اخیر با محوریت حوزه علمی قم، چندین گام مهم و بلند در ارتقای این رویکرد اصیل اخلاق اسلامی برداشته‌اند:

۱. اولین گام را می‌توان خروج از تبویب و گردآوری و ورود به برداشت، فهم و تخریب علم اخلاق منسجم و نظام‌مند دانست.

۲. گام بعدی تلاش برای خلوص و تصفیه اخلاق نقلی از برداشت‌های التقاطی و تلفیقی با دیگر رویکردهای اخلاقی است. نمونه بارز این گام در اخلاق نقل‌بنیاد قابل مشاهده است.

۳. تبیین روش و شیوه استنباط گزاره‌ها و نظام اخلاقی، گام مهم و بنیادی دیگری است که در این مسیر برداشته شده است.

۴. نگارش فلسفه اخلاق اسلامی با توجه به آیات و روایات، قدمی است که هم به خلوص و تصفیه اخلاق نقلی کمک شایان می‌کند و هم در شیوه استنباط به کمک اخلاق پژوهان می‌آید.

۵. جوامع حدیثی اخلاقی در این دوره با دو هدف گردآوری حداکثری در موضوعات و احادیث مربوط به هر موضوع و روزآمدی، ارتقاء چشم‌گیری را نسبت به نمونه‌های قبلی خود در دوره‌های پیشین داشتند.

۶. همچنین جوامع حدیثی از جمع‌آوری صرف به سوی دانش‌نامه‌نگاری سوق داده شدند که در ابتدا یا انتهای مجموعه یک موضوع، درآمد یا تحلیلی توسط دانش‌نامه‌نویسان نگاشته می‌شد تا دورنمای کلی‌ای از بحث و فضای حاکم بر آیات و روایات ارائه شود.

۷. در دسترس عموم مردم قراردادن معارف اخلاق نقلی، از دیگر گام‌های مهم و ترویجی در حوزه اخلاق نقلی است که بیشتر توسط آثار نقلی - وعظی صورت گرفته است. این آثار، محصول و چکیده اخلاق نقلی را با زبانی شیوا و همه‌فهم در اختیار عموم مردم قرار می‌دهند.

۸. گام آخری که در نوشتار پیش رو مطرح شده، نوشتن آثار متعدد و متکثر در حوزه اخلاق تخصصی و حرفه‌ای است. در این گام، مهم به روز بودن موضوعات این آثار و تعداد بالای آنهاست که احصاء آن را بسیار دشوار می‌سازد. در پیش از این دوره نیز آثاری در حوزه اخلاق کاربردی و حرفه‌ای نگارش می‌شد؛ اما کمیت چندانی نداشت و طبیعتاً متناسب با کاربردها و حرفه‌های همان زمان‌ها نگارش می‌شد.

۹. آینده پیش رو

هرچند در قرن اخیر، اخلاق نقلی رشد خوبی داشته است، باید اعتراف کرد هنوز تا غایت مطلوب، فاصله زیادی دارد. در انتهای مقاله، گام‌های بعدی‌ای را که می‌توان به جامعه حوزوی و پژوهشگران اخلاق نقلی پیشنهاد کرد، بیان می‌کنیم:

۱. تعیین تکلیف میان اخلاق نقلی استنباطی و فقه: با این که قرن‌ها اخلاق، فقه و کلام، سه علم اسلامی شناخته می‌شدند، اما همچنان این پرسش گشوده است که اخلاق نقلی

اسلامی و فقه اسلامی با توجه به این که هر دو به حوزه عمل و تکلیف رفتاری انسان می‌پردازند، چه تمایز جدی‌ای دارند؟ آثاری که در این زمینه تولید شده^۱ یا با پیش‌فرض گرفتن تفاوت این دو علم یا به دلیل کم‌مایگی، نتوانستند پاسخ درخوری به این پرسش دهند. روشن شدن این رابطه، هم تکلیف ادامه راه اخلاق نقلی را روشن می‌کند و هم ادامه مسیر فقه را.

۲. درست است که اخلاق نقل‌بنیاد در این سال‌ها نگرارش شده است، اما هنوز اخلاق نقل‌بنیاد با یک روش مشخص و مدوّن و یک فلسفه اخلاق اسلامی، تولید و عرضه نشده است. هنوز اخلاقی با رویکرد نقلی تولید نشده است که واجد مفاهیم، نظام و فلسفه‌ای منطبق بر نقل، مشخص، مستدل و جاری در تمام مباحث آن باشد. همچنین اخلاق کاربردی و حرفه‌ای نقلی نیز هنوز واجد این خصوصیات نیست.

۳. شیوه استنباط اخلاقی نیز باید از سه مسیر اجتهادی، معناشناسی و فقه الحدیثی به یک روش از اجتماع اینها تبدیل شود که مزایای هریک را داشته و از معایب آن عاری باشد.

۴. فلسفه اخلاق نقلی، در ابتدای راه است و هنوز به بسیاری از مباحث فلسفه اخلاقی ورود نکرده و برخی از نظریات مطرح شده، هنوز به پختگی لازم نرسیده‌اند.

۵. امر دیگری که در این سال‌ها از آن غفلت شده، انتشار داخلی و بین‌المللی مطالب تولید شده در این حوزه است. هنوز بسیاری از آکادمی‌های دنیا از دستاوردهای مفید و جدی اخلاق اسلامی در این سال‌ها بی‌خبرند.

۶. در حوزه اخلاق تخصصی و حرفه‌ای، آثار فراوانی تولید شده‌اند؛ اما هنوز وافی به مقصود نیست. نویسندگان این آثار در این مسیر باید دو نکته را دقت کنند: یک. هنوز موضوعات و حرفه‌هایی هستند که اخلاق کاربردی و حرفه‌ای آنها با رویکرد نقلی نگارش نشده‌اند؛ دو. آثار در این حوزه‌ها باید از حالت انتزاعی و کلی خارج شوند و به صورت واقعی و جزئی درآیند تا

۱. مانند آثار زیر:

- هدایتی، محمد (۱۳۹۵)، مناسبات فقه و اخلاق، تهران: نگاه معاصر.

- هدایتی، محمد (۱۳۹۲)، مناسبات فقه و اخلاق در گفت‌وگوی اندیشوران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- احمدپور، مهدی (۱۳۹۲)، فقه و اخلاق اسلامی؛ مقایسه‌ای علم‌شناختی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- رحیمی، مجتبی (۱۴۰۰)، از فقه و اخلاق تا فقه اخلاقی، قم: فقهات و تمدن اسلامی.

خوانندگان بیش از پیش از این آثار در زندگی و حرفه خود بهره ببرند.

۷. لازم است از اخلاق تخصصی به اخلاق کاربردی گذر کرد. اخلاق تخصصی و اخلاق کاربردی، هردو، به بخش و محدوده خاصی از اخلاقیات زندگی انسان می‌پردازند و تفاوت بنیادین آنها در نوع پژوهش آنهاست. اخلاق تخصصی، موضوع محور است و اخلاق کاربردی مسئله محور. اخلاق تخصصی برای مثال در حوزه خانواده به بیان کلیاتی درباره اخلاق خانوادگی می‌پردازد؛ اما اخلاق کاربردی ابتدا به تبیین چالش‌ها، معضلات و پیچیدگی‌های حوزه اخلاق خانواده می‌پردازد و بعد با استفاده از قواعد و اصول اخلاقی به بررسی و ارائه راه کار می‌پردازد. اخلاق کاربردی نقلی هنوز رونق آن چنانی در اخلاق پژوهی نقلی پیدا نکرده است؛ درحالی که بسیار مهم‌تر و کارآمدتر از اخلاق تخصصی است.

آنچه در این مقاله بیان شد، مروری بر تحولات اخلاق نقلی در حوزه علمیه قم بود و سعی شد گزارشی از انواع تحولات در این موضوع ارائه شود؛ اما پرداخت جزئی به هریک، نیاز به زمان و مجال مجزای خود دارد که در رسالت این مقاله نبود.

کتاب‌نامه

۱. احمدپور، مهدی (۱۳۹۲)، فقه و اخلاق اسلامی؛ مقایسه‌ای علم‌شناختی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. _____ (۱۳۹۵)، آشنایی با دانش اخلاق اسلامی، قم: نشر معارف.
۳. احمدپور، مهدی و دیگران (۱۳۸۵)، کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ.
۴. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۹۶)، چپستی عمل صالح در قرآن کریم: روش معناشناختی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۰)، اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. اکبری‌راد، طیب (۱۳۹۵)، معناشناسی عمل صالح و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن کریم، تهران: دانشگاه تهران.
۷. امام جعفر صادق (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۸. امامی، عبدالنبی (۱۳۸۹)، فرهنگ قرآن؛ اخلاق حمیده، قم: مطبوعات دینی.
۹. امینیان، مختار (۱۳۸۱)، مبانی اخلاق اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۱۰. انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، نظام خانواده در اسلام، قم: ام اییها.
۱۱. _____ (۱۳۸۶)، فرهنگ مهرورزی، قم: دارالعرفان.
۱۲. _____ (۱۳۸۸)، معاشرت، قم: دارالعرفان.
۱۳. ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۹۴)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات مؤسسه نشر فرزاد روز، سوم.
۱۴. برنجکار، رضا و علینقی خدایاری (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی اسلامی، قم: معارف.
۱۵. پسندیده، عباس (۱۳۸۵)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: دارالحدیث.
۱۶. _____ (۱۳۸۸)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت.
۱۷. تجلیل تبریزی، ابوطالب (۱۴۱۷ ق)، معجم المحاسن و المساوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



۱۸. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱)، اخلاق الاهی، تدوین و تحریر: محمدرضا جباران، زیرنظر: علی اکبر رشاد، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۱۹. جزائری، محمدعلی (۱۳۸۸)، دروس اخلاق اسلامی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسراء.
۲۱. _____ (۱۳۷۹)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: نشر اسراء.
۲۲. _____ (۱۳۹۰)، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء.
۲۳. حسینی رامندی، سیدعلی اکبر (۱۳۹۸)، نظریه اخلاق هنجاری اسلام بر اساس قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. حیدری، سیدکمال (۱۴۲۶ ق)، مقدمه فی علم الأخلاق، قم: دار فراقده.
۲۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. دراز، عبدالله (۱۳۸۷)، دستور الأخلاق فی القرآن: دراسة مقارنة للأخلاق النظرية فی القرآن، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲۸. دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۷ الف)، اخلاق اسلامی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. _____ (۱۳۸۷ ب)، استعاذه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. _____ (۱۳۸۷ ج)، ایمان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. _____ (۱۳۸۸ الف)، قلب سلیم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. _____ (۱۳۸۸ ب)، گناهان کبیره، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. راد، علی (۱۳۹۳)، انسان در تراز قرآن، قم: دارالحديث.
۳۴. رحیمی، مجتبی (۱۴۰۰)، از فقه و اخلاق تا فقه اخلاقی، قم: فقاقت و تمدن اسلامی.
۳۵. رضوان فر، احمد (۱۳۸۴)، فرهنگ اخلاقی معصومین، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳۶. سبحانی‌نیا، محمدتقی (۱۳۹۳)، رفتار اخلاقی انسان با خود، قم: دارالحديث.

۳۷. _____ (۱۳۹۶)، اخلاق هتلداری، قم: دارالحديث.
۳۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۸۸)، خوب چیست؟ بد کدام است؟، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۹. صادقی، هادی (۱۳۹۷)، فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین؛ فرانظریه یکپارچگی اخلاق، قم: طه.
۴۰. صدر، محمد مهدی (۱۳۷۲)، اخلاق اهل البيت، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴۱. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۷)، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، اصفهان: لب المیزان.
۴۲. طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه امام خمینی.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۳ ق)، الکبائر و الصغائر، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۴. طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۲)، اخلاق اقتصادی، قم: انتشارات مطبوعات دینی.
۴۵. عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۱)، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۶. عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۶)، استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۷. عالمزاده نوری، محمد (۱۴۰۰)، آشنایی با فقه الاخلاق؛ درآمدی بر دانش اخلاق اجتهادی و استنباطی، قم: انتشارات خلق.
۴۸. عبدی، حمزه و عباس پسندیده (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل روایات مکارم الأخلاق، قم: دارالحديث.
۴۹. غنوی، امیر (۱۳۹۲)، سلوک اخلاقی؛ طرح‌های روایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰. _____ (۱۳۹۳)، درآمدی بر فقه اخلاق، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۱. فرهادی، یدالله (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان، قم: اطلاعات.
۵۲. فیض مشکینی، علی (۱۳۸۲)، المواعظ العددیة، قم: الهادی.

۵۳. فیض مشکینی، علی (۱۳۹۲)، دروس فی الأخلاق، قم، دارالحديث.
۵۴. قائمی، علی (۱۳۶۴)، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران: امیری.
۵۵. قرشی، باقر شریف (۱۴۲۵ ق)، اخلاق النبی و اهل بیته، قم: مهر امیرالمؤمنین.
۵۶. قنبری، بخشعلی (۱۳۹۴)، اخلاق حرفه‌ای با تأکید بر نهج البلاغه، تهران: جهاد دانشگاهی.
۵۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵ الف)، فرهنگ‌نامه آرزو، قم: دارالحديث.
۵۸. _____ (۱۳۸۵ ب)، میزان الحکمة، قم: دارالحديث.
۵۹. _____ (۱۳۸۷)، دوستی در قرآن و حدیث، قم: دارالحديث.
۶۰. _____ (۱۳۹۰ الف)، فرهنگ‌نامه ادب، قم: دارالحديث.
۶۱. _____ (۱۳۹۰ ب)، فرهنگ‌نامه مهمانی، قم: دارالحديث.
۶۲. _____ (۱۳۹۳)، انسان‌شناسی از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحديث.
۶۳. _____ (۱۳۹۵)، دانش‌نامه قرآن و حدیث، قم: دارالحديث.
۶۴. _____ (۱۳۹۶)، فرهنگ‌نامه تجارت و داد و ستد، قم: دارالحديث.
۶۵. محمدی، مسلم (۱۳۹۵)، مقدمه علم اخلاق، تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
۶۶. مختاری، علی (۱۳۸۴)، الاخلاق فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشيعة، تحت اشراف: آية الله تسخیری، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
۶۷. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۶)، روش فهم حدیث، تهران: سمت.
۶۸. _____ (۱۳۹۳)، روابط اجتماعی از نگاه قرآن، قم: دارالحديث.
۶۹. مشکینی، علی (۱۳۹۳)، ازدواج در اسلام، قم: دارالحديث.
۷۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷)، فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
۷۱. _____ (۱۳۹۰)، خودشناسی برای خودسازی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷۲. _____ (۱۳۹۲)، انسان‌سازی در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷۳. مصباح، مجتبی (۱۳۸۸)، بنیاد اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ الف)، انسان در قرآن، قم: صدرا.
۷۵. _____ (۱۳۷۲ ب)، فلسفه اخلاق، قم: صدرا (در ضمن مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۲ صفحه ۴۵۱ - ۶۸۷).

۷۶. مظاهری، حسین (۱۳۶۴)، اخلاق فرماندهی و فرمانبری، قم: شفق.
۷۷. _____ (۱۳۸۳)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، تهران: ذکر.
۷۸. _____ (۱۳۸۷)، اخلاق در اداره، قم: بوستان کتاب.
۷۹. _____ (۱۳۸۷)، اخلاق و جوان، قم: شفق.
۸۰. _____ (۱۳۸۸)، ویژگی‌های معلم خوب، قم: اخلاق.
۸۱. _____ (۱۳۸۹)، اخلاق در خانه، قم: اخلاق.
۸۲. _____ (بی‌تا)، خانواده در اسلام، قم: شفق.
۸۳. معلمی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه اخلاق، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸۴. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶)، فلسفه الاخلاق فی الاسلام، قم: مؤسسه دار الکتاب الاسلامی.
۸۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
۸۶. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۸)، ساختارگزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکرد معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام صادق.
۸۷. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دانشگاه امام صادق.
۸۸. نصری، عبدالله (۱۳۸۵)، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸۹. نوری، محمدرحیم (۱۳۸۲)، مبانی اخلاق، تهران: خورشید باران.
۹۰. هدایتی، محمد (۱۳۹۲)، مناسبات فقه و اخلاق در گفت‌وگوی اندیشوران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹۱. _____ (۱۳۹۵)، مناسبات فقه و اخلاق، تهران: نگاه معاصر.